

برده است (۳۸۵/۱). گفته‌اند که کلام برهان‌الدین بسیار به کلام شمس العشاق شباهت دارد، با این تفاوت که اندکی نسبت به آن روان‌تر است؛ در آثار هر دو آنها سبک دکنی مشاهده می‌شود.

شاه امین‌الدین اعلی (د ۱۰۸۶/ق ۱۶۷۵م) فرزند برهان‌الدین، همچون وی از اولیا بود. از مریدان برهان‌الدین می‌توان از شاه داوود (د ۱۰۶۸/ق ۱۶۵۸م) نام برد که ساکن بیجاپور و مؤلف ناری‌نامه و کشف الانوار است (منزوی، فهرست ۱۳۹۹/۲؛ نسیم، ۲۶۱، ۲۶۹؛ صدیقی، ۹۵/۴).

سراج‌العشق مثنوی است به فارسی که در مناقب برهان‌الدین، شمس العشاق و شاه امین‌الدین اعلی سروده شده است و دو نسخه از آن در موزه ملی کراچی و انجمن ترقی اردو نگهداری می‌شود که در نسخه اخیر نام نگارنده، دستگیر علی بن شاه بابا آمده است (منزوی، خطی مشترک، ۱۱۵۵/۸-۱۱۵۶).

مآخذ: احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه محمد جعفر یاحقی و نقی لطفی، تهران، ۱۳۶۷ش؛ برهان‌الدین جانم، معرفت‌المحبوب، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز؛ صدیقی، افسر، مخطوطات انجمن ترقی اردو، کراچی، ۱۹۶۵م؛ قادری، حامد حسن، داستان تاریخ اردو، اگره، ۱۹۴۱م؛ منزوی، خطی؛ همو، خطی مشترک؛ همو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، اسلام‌آباد، ۱۳۵۷ش؛ نسیم، ا. د. «مشایخ اردوسری مصنفین»، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، لاهور، ۱۹۷۱م، ج ۶؛ نوشاهی، عارف، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان، کراچی، ۱۳۶۲ش؛ هاشمی، متین، فهرست مخطوطات دیال سنگه ترست لائبریری، لاهور، ۱۹۷۹م. مرجان افشاریان

برهان‌الدین غریب، محمد (۶۵۴ - ۷۳۸/ق ۱۲۵۶-۱۳۳۷م)، فرزند ناصرالدین محمود هانسوی، از صوفیان و مروجان طریقت چشتیه در دکن.

تدوین مجموعه‌هایی چند از ملفوظات برهان‌الدین غریب و نیز انتساب القاب و عناوین مختلف به او، حکایت از محبوبیت و تأثیر شخصیت او در میان پیروان و تربیت یافتگانش دارد. با اینهمه، آگاهی‌های ما درباره زندگی و شرح احوال برهان‌الدین محدود به گزارش‌هایی درباره ارتباط او با شیخ نظام‌الدین اولیا (د ۷۲۵/ق ۱۳۲۵م) و نیز سلوک عرفانی اوست که گاه به صورتی تناقض آمیز نقل شده، و از اغراق و مبالغه نیز به دور نمانده است. نخستین کسی که از وی یاد کرده، امیر حسن دهلوی، از مصاحبان و دوستان نزدیک اوست که در فوائد الفوائد در مواردی چند از برهان‌الدین به نیکی یاد کرده است. پس از آن، در خیرالمجالس خواجه حمید قلندر و سیرالاولیای میرخرد و نیز در ملفوظات برهان‌الدین اطلاعاتی مختصر از زندگانی وی آمده است. دیگر تذکرها و منابع موجود - از سده ۹ق به بعد - در شرح احوال برهان‌الدین غریب از این منابع سود جستند (نک: دنباله مقاله).

برهان‌الدین در خانواده‌ای اهل علم و معرفت در هاشمی در منطقه هاریانا از توابع اوتارپرادش زاده شد. سلسله نسب او را به ابوحنیفه (ه م) رسانده‌اند، و برخی نام پدرش را محمد محمود و نیای او را ناصرالدین گفته‌اند. همچنین وی را خواهر زاده شیخ جمال‌الدین

پدربرهان‌الدین، در میان مشایخ چشتیه دکن دارای شهرت بود (نسیم، ۲۶۰-۲۶۹؛ قادری، ۳۷؛ احمد، ۱۳۳). منابع موجود آگاهی چندانی از شرح حال برهان‌الدین نمی‌دهند و بیشتر به ذکر آثار و ویژگی‌های آنها پرداخته‌اند. درباره او همین اندازه می‌دانیم که علوم ظاهری را نزد پدر فراگرفت و همچون وی آثار بسیار برجای نهاد. او در بیجاپور ساکن بود و در همانجا نیز درگذشت و به خاک سپرده شد (نسیم، ۲۶۳، ۲۶۹).  
آثار: برهان‌الدین دارای آثار منظوم و منثور است:

الف- منثور:

۱. کشف‌العالم، در ۷ باب و ۷ فصل، به فارسی. موضوع آن در بیان عوالم مختلف (جسمانی، نفسانی، ذاتی، سری، قلبی و روحانی) و مراحل سلوک است (منزوی، خطی مشترک، ۱۷۹۳/۳).

۲. کلمة الحقایق، رساله‌ای به اردو در موضوع شریعت و طریقت و پرش و پاسخ در مسائل تصوف. شیوه‌ترین اثر، به نثر شمس العشاق شباهت بسیار دارد. نثر آن اردو گجراتی و سبک ادبی آن، دکنی است. این رساله به کوشش محمد اکبرالدین صدیقی در حیدرآباد منتشر شده است (قادری، همانجا؛ نسیم، ۲۶۳، ۳۹۷؛ صدیقی، ۳۸۵/۸).

۳. کلید گنج، در ۱۲ باب، در بیان انواع نفس، مراحل توحید و راه‌های رسیدن به حقیقت (منزوی، همان، ۱۸۱۱/۳-۱۸۱۲؛ هاشمی، ۸۷/۳-۸۹).

۴. مخزن السالکین و مقصد العارفين، به فارسی درباره مسائل بنیادی پیروان چشتیه، یعنی وحدت وجود و اقسام آن. از این کتاب دو نسخه یکی در موزه ملی پاکستان و دیگری در کتابخانه انجمن ترقی اردو نگهداری می‌شود (نوشاهی، ۲۶۶؛ هاشمی، ۹۲/۳-۹۵؛ منزوی، همان، ۱۸۸۷/۳).

۵. معرفت‌المحبوب، رساله‌ای به فارسی در بیان ۴ منزل عرفان، یعنی شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت. نثر این رساله روان، و حاوی معانی عمیق است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه گنج بخش اسلام‌آباد نگهداری می‌شود (نک: مآخذ؛ منزوی، فهرست ...، ۸۰۷/۲، خطی مشترک، ۱۹۵۶/۳-۱۹۵۷، خطی، ۱۳۹۹/۱(۲)).

ب- منظوم:  
۱. ارشادنامه. ۲. بشارة الذکر، در تصوف. این کتاب به پدر او، شمس العشاق نیز منسوب شده است. ۳. حجة البقاء، گفت و گوی میان مرید و مرشد است که گمان می‌رود با خوش‌نامه و خوش‌نغز میران‌جی شمس العشاق قرابتی دارد. ۴. رموز الواصلین. ۵. سکه سهیلا، ترکیب‌بندی به زبان اردو که در میان هر ۳ بیت آن، یک بند با موضوع توحید گنجانده شده است. ۶. منفعت الایمان، درباره اعتقادات ماده پرستان و پرهیز مریدان از آن اعتقادات. ۷. نسیم الکلام، شرح آیات قرآنی. ۸. نکته واحد، در توحید. ۹. وصیت‌الهادی، مثنوی کوتاهی به زبان اردو در زمینه تصوف (نسیم، ۲۶۱-۲۶۴؛ صدیقی، ۳۸۴/۱).

در میان نسخه‌های خطی انجمن ترقی اردو نام رساله وجودیه نیز از او به چشم می‌خورد که صدیقی در فهرست اردو مخطوطات از آن نام

21111

# دانشنامه جهان اسلام، (۳)، تهران ۱۳۷۶، IRCICA. DN 36948

برهان‌الدین غریب

۲۸۶

برهان‌الدین شطاری ← برهانپوری،  
برهان‌الدین

برهان‌الدین عبدالله ختلائی ← برزش‌آبادی،  
امیر عبدالله

آنجا طریقت چشتیه را رواج داد (نظامی، ص ۲۶۰). خانقاهش در دکن مرجع خلاق بود. پادشاهان دکن هم به او معتقد بودند. او از طرف علاء‌الدین حسن بهمنی (حک: ۷۴۸-۷۵۹) که بعدها به دست شیخ زین‌الدین، خلیفه معروف او، بیعت کرد (همانجا) ده من نقره و پنج من طلا برای ثواب میان نیازمندان توزیع کرد (فرشته، ج ۲، ص ۲۷۷). شهر برهانپور، در ایالت مادیاپرادش، به نام او آباد شده است (عبدالحق دهلوی، همانجا).

خواجه حمادبن عماد کاشانی، سخنان او را به نام احسن الاقوال (نظامی، ص ۲۰۶) گردآورده که متضمن برخی رویدادهای زندگی شیخ فریدالدین گنج شکر و خواجه نظام‌الدین اولیاست که در آثار دیگر نیامده است (فاروقی، ص ۹۹). علاوه بر این، مجدالدین برادر خواجه حماد کاشانی، سخنان و کرامات شیخ برهان‌الدین را در دو کتاب دیگر، به نامهای غرائب الکرامات و بقية الغرائب (همان، ص ۸۶) نقل کرده و خواجه رکن‌الدین دبیر نیز سخنان او را در نفائس الانفاس گرد آورده است. همچنین یکی از مریدان شیخ زین‌الدین شیرازی از خلفای شیخ برهان‌الدین به نام شیخ حسین سخنان وی را در کتابی گرد آورده و هدایت‌القلوب نامیده است (سرور لاهوری، همانجا).

گفتنی است که برهان‌الدین غریب ظاهراً همان برهان‌الدین ساوی است که مؤلف نزهة الخواطر (حسینی، ج ۲، ص ۱۵) او را در زمره مشایخ قرن هشتم آورده است.

منابع: عبدالحی حسینی، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، حیدرآباد دکن ۱۳۸۲-۱۴۱۰/۱۹۶۲-۱۹۸۹؛ غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیا، کانپور [بی‌تا]؛ صباح‌الدین عبدالرحمان، بزم صوفیه، اعظم‌گره؛ عبدالحق بن سیف‌الدین عبدالحق دهلوی، اخبارالاکخیار فی اسرار الابرار، دهلوی [بی‌تا]؛ نثار احمد فاروقی، نقد ملفوظات، دهلوی ۱۹۸۹؛ محمد قاسم بن غلامعلی فرشته، تاریخ فرشته، ج ۲، نولکشور ۱۲۸۱؛ محمدبن مبارک میرخورد، سیرالاولیاء، لاهور ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ خلیق احمد نظامی، تاریخ مشایخ چشتی، دهلوی.

/ شریف حسین قاسمی /

**بُرْهَانُ الدِّینِ قُطْبِ عَالِمٍ**، ابو محمد عبدالله بن ناصرالدین محمود (محمد) بن جلال‌الدین مخدوم جهانیان، مشهور به «قطب عالم» و «ثانی مخدوم جهانیان»، از مشایخ نامی طریقه سهروردیه<sup>۱۱</sup> و سرسلسله سادات بخاریه گجرات (خویشگی، گ ۵۰۸). در ۱۴ رجب ۷۹۰ در اُجَه (که امروزه در بهاولپور واقع است) متولد شد و در ۸ ذیحجه ۸۵۷ در بَتَوَه (حسینی اردستانی، گ ۳۲۹ پ؛ الغ‌خان، ج ۱، ص ۱۴۰، س ۷؛ یا بائوه: خویشگی، همانجا)، روستایی در ده کیلومتری جنوب احمدآباد، درگذشت (ماده تاریخ وفاتش را عبدالحق دهلوی در اخبارالاکخیار، ص ۱۵۷، عبارت «مَطَّلَعُ یَوْمِ التَّرْوِیَةِ» = ۸۵۷ آورده، ولی خویشگی،

برهان‌الدین غریب، شیخ محمد، مرید و خلیفه ممتاز خواجه نظام‌الدین اولیا (متوفی ۷۲۵) و عارف معروف سلسله چشتی. در هائسی (در اترپرادش کنونی) در ۶۵۴ به دنیا آمد. کتاب قدوری را نزد عمویش خواند و کتاب نافع را از بر کرد و فقه و تفسیر و حدیث را فرا گرفت (صبح‌الدین عبدالرحمان، ص ۲۷۹). برادر بزرگش، شیخ مستخب‌الدین (متوفی ۶۵۹) ملقب به زر زرین زربخش، خلیفه شیخ فریدالدین گنج شکر (متوفی ۶۶۴) بود و به حکم او برای ارشاد خلق به دیوگیر رفته بود (سرور لاهوری، ص ۳۲۰). برهان‌الدین غریب در زهد و تقوی و کثرت بُکا در میان مریدان خواجه نظام‌الدین اولیا مقام خاصی داشت (میرخورد، ص ۲۸۸) و به سماع هم علاقه فراوان پیدا کرده بود. در وجد و سماع راه و رسم ویژه‌ای داشت، از اینرو پیروانش، که از مریدان خواجه نظام‌الدین بودند، برهائی خوانده می‌شدند. خلفا و مریدان خواجه نظام‌الدین، و فضلال آن دوره و شاعرانی مانند امیرخسرو دهلوی (متوفی ۷۲۵) و امیرحسین علای سجزی دهلوی، با او محشور و مأنوس بودند (همان، ص ۲۸۸-۲۸۹). شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلوی (متوفی ۷۵۷)، خلیفه ارشد خواجه نظام‌الدین اولیا، هنگام تحصیل در دهلوی، در منزل شیخ برهان‌الدین اقامت داشت (همان، ص ۲۸۹). برهان‌الدین غریب که مسئول آشپزخانه خانقاه خواجه نظام‌الدین اولیا بود (فاروقی، ص ۱۷۲) به سبب علاقه و احترام به مرشد خود، تا هنگام مرگ هیچگاه به غیاث‌پور، محل خانقاه مرشدش، پشت نکرد (میرخورد، ص ۲۸۸). با اینهمه یک بار میان آن دو، رنجشی پدید آمد که در پی آن، او را از خانقاه بیرون کردند. اما پس از مدت کوتاهی به توصیه امیر خسرو دهلوی، خواجه نظام‌الدین اولیا وی را بخشید و به او اجازه تجدید بیعت داد (همان، ص ۲۸۹-۲۹۱). خواجه نظام‌الدین، به اصرار مریدان و خلفای خود، او را خلیفه خویش کرد (همان، ص ۲۹۱-۲۹۲). برهان‌الدین پس از مرگ مرشدش، از مردم بیعت می‌گرفت. او به دیوگیر (در هند جنوبی) رفت ولی طولی نکشید که در خلدآباد (در ایالت مهاراشترا) به سال ۷۳۰ درگذشت (فاروقی، ص ۸۷) و همانجا دفن شد (میرخورد، ص ۲۹۲؛ عبدالحق دهلوی، ص ۹۴). به گفته صاحب شجره چشتیه، وفات وی در ۷۴۱ بوده است (سرور لاهوری، ص ۳۴۸). او اولین عارف چشتی است که به دکن رفت و در

MADRE VEDIC INDIAN  
SANGH  
16 NISAN 1999

Richard, 'New Light on the Arabic Translations of Aristotle', *Orient*, 6 (1953), pp. 91-142; Weisheipl, Athanasius J., *Aristotelian Methodology: A Commentary on the Posterior Analytics of Aristotle* (River Forest, IL, 1958).

JANIS ESOTS

**Burhān al-Dīn Gharīb**, Muḥammad (654-738/1256-1337), son of Nāṣir al-Dīn Maḥmūd Hānsawī, was one of the Sufis responsible for the spread of the Chishtiyya order in the Deccan.

The various written compilations of the sayings (*malḥūzāt*) of Burhān al-Dīn Gharīb, as well as the honorific titles (sing. *laqab*) bestowed upon him, testify to his having been a highly influential personality much loved by his disciples and students. Nevertheless, the extant information concerning his life and circumstances is confined to a number of reports about his links with Shaykh Nizām al-Dīn Awliyā' (d. 725/1325), the great Sufi shaykh of Delhi, and his spiritual training. Accounts of the latter tend to be both contradictory and exaggerated. The first author to write about Burhān al-Dīn was his close friend and associate Amīr Ḥasan Sijzī Dihlawī (d. 737/1336), who mentions him favourably a few times in his *Fawā'id al-fu'ād*, in which he records the oral teachings of their master, Nizām al-Dīn Awliyā' (see Ernst, *Eternal Garden*, 65-68). The first compilations of Burhān al-Dīn's teachings, *Malḥūzāt-i Burhān al-Dīn*, were made by a remarkable family of three Kāshānī brothers, Rukn al-Dīn, Ḥammād al-Dīn and Majd al-Dīn (see Compilations below). There are also two works which include a summary account of his life, both written by disciples of another of Nizām al-Dīn Awliyā's *khalīfas* (deputies), Chirāgh-i Dihlī (d. 757/1356): Khwājah Ḥamīd Qalandar's *Khayr al-majālis*, a compilation of Chirāgh-i Dihlī's *malḥūzāt*; and *Siyar al-awliyā'* by Mīr-Kh<sup>w</sup>urd (d. 770/1368). Their accounts, however, which often seek to portray Burhān al-Dīn in a less favourable light than their own master, should be read with some caution: disciples of each of

Nizām al-Dīn's *khalīfas* tended to see their own shaykh as the sole valid successor to Nizām al-Dīn's authority (Ernst, *Eternal Garden*, 69-70, 85-87, 121-123; *Sufi Martyrs*, 178-183). All of these were drawn upon by the writers of later biographical compilations and other sources that discuss Burhān al-Dīn Gharīb, dating from the 9th/15th century or later.

Burhān al-Dīn was born into a family of scholars and mystics in Hansi, in the modern Indian state of Haryana. The family traced their ancestry back to the jurist Abū Ḥanīfa (q.v.). Burhān al-Dīn's father is said to have been called Muḥammad Maḥmūd, and an ancestor is named as Nāṣir al-Dīn. The sources also name one of his uncles as Jamāl al-Dīn Aḥmad Nu'mānī Hānsawī (Āzād, 4; Kalīm, 103; Ṣabāḥ al-Dīn, 272; 'Abd al-Ḥayy, 2/143; see also Shafī, 1/1328).

Burhān al-Dīn spent the first few years of his life at Hansi. From an early age he showed a strong inclination to prayer, practising *dhikr* from the age of six or seven, and when he was sixteen he took a vow of celibacy, against his mother's wishes (Ernst, *Eternal Garden*, 118). He then travelled to Delhi to study theoretical and applied jurisprudence, Qur'ānic hermeneutics and *ḥadīth*. During the 690s/1290s, probably in 693/1293, he joined the circle of disciples around Shaykh Nizām al-Dīn Awliyā', acquiring spiritual knowledge and following the mystical path (Āzād, 5-7; Ṣabāḥ al-Dīn, 276-281; Kalīm, 103; 'Abd al-Ḥayy, 2/143). Being part of his master's circle of close followers, Burhān al-Dīn became acquainted, and acquired a position of respect and prestige, with a number of great Sufis, including Amīr Khusraw (d. 725/1325), Amīr Ḥasan Dihlawī (d. post-729/1329) and Shaykh Nāṣir al-Dīn Maḥmūd Chirāgh-i Dihlī, the best-known of Shaykh Nizām al-Dīn's successors. When he was in Delhi, Shaykh Nāṣir al-Dīn used to stay in Burhān al-Dīn's home (Dihlawī, Ḥasan, 55; Qalandar, 8 ff., 186-187, 260, 284; Mīr-Kh<sup>w</sup>urd, 437-438; Yamānī, 357; Jamālī, 128; Dihlawī, 'Abd al-Ḥaqq, 93-94; Chishtī, 882; Ghulām Sarwar, 1/346; Kalīm,